

The Concept of "Suffering" in Zoroastrianism and Christianity: A Comparative Approach Based on Pahlavi Texts and the New Testament

Nidā Akhavān Aqdam *

Faribā Sharifiyān **

(Received: 2018-10-02; Accepted: 2019-07-02)

Abstract

There is ample evidence of suffering in various parts of the New Testament as well as in Pahlavi texts. Through the existing narrations and also the answer that these religions give to the saints and ordinary people for their suffering, one can understand the existential wisdom of suffering in Christianity and Zoroastrianism. Putting together textual evidence about a single concept namely suffering, this study intends to explain and compare the position of this idea in Christianity and Zoroastrianism based on Pahlavi literature and the New Testament. It seems that Zoroastrians, due to their dualism, have identified the reason for the existence of suffering in life and consider it to be on the part of the devil, and consequently the approach of the believers of this religion is also well-known. However, according to Christianity, suffering in life is necessary to become a believer, and we are confronted with the concept of "holy suffering" or the suffering inflicted by God.

Keywords: Suffering, Zoroastrianism, Christianity, Pahlavi Texts, New Testament.

* Assistant Professor, Department of Art History, Art Research Institute, Academy of Arts, Tehran, Iran (Corresponding Author), n.akhavanaghdam@aria.ac.ir.

** Assistant Professor, Department of Primeval Languages and Ancient Texts, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran, f.sharifian@richt.ir.

مفهوم «رنج» در کیش زردشتی و مسیحیت: رویکردی مقایسه‌ای بر پایه متون پهلوی و عهد جدید

ندا اخوان اقدم*

فریبا شریفیان**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱]

چکیده

در بخش‌های مختلف عهد جدید و نیز در متون پهلوی شواهد فراوانی درباره رنج وجود دارد. در خلال روایات موجود و نیز پاسخی که این ادیان برای رنج وارد شده به مقدسان و مردمان عادی می‌دهند می‌توان به حکمت وجودی رنج در مسیحیت و زردشتی پی برد. این پژوهش در نظر دارد با کنار هم قراردادن شواهد متنی در باب مفهومی واحد (رنج)، با تکیه بر ادبیات پهلوی و عهد جدید، جایگاه این انگاره را در دین مسیحیت و زردشتی تبیین و با هم مقایسه کند. به نظر می‌رسد زردشتیان به دلیل ثنویت‌انگاری دلیل وجودی رنج در زندگی را مشخص کرده‌اند و آن را از ناحیه اهریمن می‌دانند و به تبع آن رویکرد باورمندان این دین نیز معلوم است، در حالی که در مسیحیت رنج در زندگی لازمه مؤمن شدن است و ما با مفهوم «رنج مقدس» یا همان رنج وارد شده از طرف خدا مواجهیم.

کلیدواژه‌ها: رنج، زردشتی، مسیحیت، متون پهلوی، عهد جدید.

* استادیار گروه تاریخ هنر، پژوهشکده هنر، فرهنگستان هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
n.akhavanaghdam@aria.ac.ir

** استادیار گروه زبان‌های باستانی و متون کهن، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور، تهران، ایران
f.sharifian@richt.ir

مقدمه

«رنج» در لغت به معنای زحمت، محنت، مشقت، درد، ناراحتی، سختی و آزار است (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۱۴۶۶/۳). همچنین، رنج از تجربه‌های زیسته بشری است. لذا ذهن پرسشگر بشر همواره در پی یافتن دلیلی برای وجود آن است. مکاتب مختلف دینی و فلسفی از آغاز کوشیدند پاسخ مناسبی برای آن بیابند. اغلب ادیان به موضوع رنج با دو رویکرد می‌پردازند: ابتدا تلاش دارند تجربه رنج بشری را درون درک تمامی جهان جای دهند. سپس می‌کوشند با تقویت ایمان و نیز دیگر شیوه‌های مناسب بر رنج غلبه، یا آن را محدود کنند (Bempord, 1993: 99).

این مقاله مفهوم «رنج» را در دو دین زردشتی و مسیحیت بر پایه متون پهلوی و عهد جدید می‌کاود. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله اسنادی (= کتابخانه‌ای) و روش پژوهش توصیفی مقایسه‌ای است. درباره موضوع رنج در مسیحیت پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، برای نمونه کیرگور^۱ به موضوع رنج در مسیحیت پرداخته، و به تبع او بسیاری دیگر نیز این موضوع را بررسی کرده‌اند. نویسندگان این مقاله پژوهشی را نیافته‌اند که مقایسه تطبیقی مفهوم «رنج» بین دو دین زردشتی و مسیحیت باشد. تنها مقاله‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد «رنج یا آزمون: رد پای محتوای داستان ایوب در متون مزدایی» اثر فاطمه جهان‌پور (۱۳۹۷) است.^۲ اما همان‌طور که از عنوان مقاله مشخص است ملاک مقایسه نویسنده، داستان ایوب بوده، و فرضیه مقاله نیز با پژوهش حاضر متفاوت است.

مقایسه مفاهیم در ادیان مختلف سبب می‌شود شباهت‌ها و تفاوت‌های نگرش و رویکرد ادیان مختلف به موضوعی واحد آشکار شود و به تبع آن تفاوت رفتار باورمندان آن ادیان توجیه‌پذیر و قابل فهم گردد. لذا در این پژوهش در پی پاسخ به دو پرسش هستیم:

۱. با توجه به آنچه درباره رنج در متون پهلوی و عهد جدید آمده، آیا تفاوتی در دیدگاه زردشتیان و مسیحیان دیده می‌شود؟ اگر پاسخ مثبت است این تفاوت در چیست؟
۲. آیا مفهوم «رنج مقدس» که به نظر می‌رسد در میان مسیحیان رایج است در زردشتی‌گری جایگاهی دارد یا خیر؟

دیدگاه مسیحیت درباره رنج

برای درک مفهوم «رنج» در باور مسیحیت، این مقاله مرجع خود را عهد جدید قرار داده است. از این‌رو، با دسته‌بندی مفهیمی که از رنج در عهد جدید مستفاد می‌شود، می‌توان به نتیجه رسید.

رنج جسمانی مسیح

در انجیل یوحنا (۱۱: ۳۰-۳۱) وقتی عیسی به یهودیان می‌گوید من و پدر یکی هستیم یهودیان سنگ‌ها را برمی‌دارند تا او را سنگسار کنند. در ۱۸: ۲۱ سرهنگی به او تپانچه می‌زند؛ در ۱۸: ۲۴ او را می‌بندند و نزد کاهن بزرگ قیافا^۳ می‌برند؛ در ۱۹: ۱-۳ پیلاتس^۴ عیسی را تازیانه می‌زند و سپاهیان تاجی از خار می‌بافند و بر سر او می‌گذارند و او را تپانچه می‌زنند؛ در ۱۹: ۱۶-۱۸ عیسی را می‌گیرند و بر صلیب می‌کنند و در ۱۹: ۳۴ حتی پس از مرگ، یکی از سپاهیان می‌آید و نیزه بر پهلو او فرود می‌آورد.

در انجیل متی (۴: ۲-۱) و نیز لوقا (۴: ۲) آمده است که عیسی به بیابان برده شد تا ابلیس او را امتحان کند و چهل شبانه‌روز روزه داشت و در آخر گرسنه شد. مسیح در انجیل مرقس (۸: ۳۱) سرنوشت خود را چنین پیش‌بینی می‌کند: «ضروری است تا فرزند انسان متحمل چیزهای بسیاری شدن و از مشایخ و کاهنان یهودی طرد شدن و کشته شدن و پس از سه روز برخاستن». بنابراین، مسیح به عنوان پسر خدا آگاهانه رنج‌هایی را بر جسم و جان خود تحمل می‌کند و می‌پذیرد و با آن مخالفتی نمی‌کند.

رنج در راه راستی

در انجیل متی (۵: ۱۰-۱۲) آمده است کسانی که برای راستی متحمل زحمت می‌شوند و دشنام می‌شنوند و سخنان ناشایست به آنان می‌گویند به اجر آسمانی بشارت داده می‌شوند، زیرا که پیامبران پیشین نیز در این رنج و زحمت بوده‌اند.

در نامه دوم تیموتیوس (۴: ۱۲) آمده است همه کسانی که می‌خواهند به عیسی مؤمن شوند در زحمت خواهند بود.

در نامه اول پطرس (۲: ۱۹) گفته شده فضیلت است هر گاه کسی به ناحق مصیبتی را برای خدا تحمل کند.

در همان کتاب (۲: ۲۰) آمده است اگر گناه کرده و تپانچه خوردید و تحمل کنید فخر

است، اما اگر نیکی کرده و مصیبت بکشید نزد خدا فضیلت است. در نامهٔ پولس به اهل روم (۵: ۳-۵) آمده است که به مصیبت‌ها فخر می‌کنیم، زیرا مصیبت، صبر، و صبر، تجربه، و تجربه، امیدواری را پدید می‌آورد و امید باعث شرمندگی نمی‌شود.

در نامهٔ یعقوب (۱: ۲-۳) آمده است که: ای برادران! چون در امتحان‌های گوناگون مبتلا شوید این را سعادت خود دانید، زیرا تجربهٔ ایمانی صبر را در شما پدید آورد. تمام شواهد بیانگر این است که تحمل رنج و درد نزد مسیحیان مستوجب پاداش است و فضیلت شمرده می‌شود و باید در آن شکبیا بود.

رنج برای تمام مردمان

در نامهٔ پولس به اهل روم (۱: ۲۲-۲۳) گفته شده که مجموع خلقت تا کنون در حال دردکشیدن است و در انتظار رسیدن به مرتبه‌ای هستیم که خلاصی بدن ما را در پی دارد. در نامهٔ دوم پولس به اهل قرنتس (۱۱: ۲۳-۲۸) می‌گوید او از تمام خادمان مسیح بیشتر محنت و هلاکت دیده است و تمام شداید خود، اعم از تازیانه‌خوردن، سنگسارشدن، خطرهای سفر و گرسنگی و تشنگی، را برمی‌شمرد.

در نامهٔ اول پولس به اهل قرنتس (۱۰: ۱۳) آمده است که شما با هیچ امتحانی آزموده نمی‌شوید که مافوق طاقت شما باشد و با امتحان گریزگاه خواهید یافت تا تحمل کنید. روایات مختلف نشان می‌دهد که رنج برای همگان است و درد وارد شده بر هر فرد در اندازهٔ تحمل او است و این را مسیحیان پذیرفته‌اند.

رنج نشانهٔ عشق خدا

در نامهٔ پولس به عبریان (۱۲: ۵-۶) آمده است که تنبیه خداوند را حقیر ندانید، زیرا خدا هر کس را دوست دارد تنبیهش می‌کند و تازیانه‌اش می‌زند. نیز در ۷-۸ آمده است که اگر خدا شما را تنبیه کند مانند پسران خود با شما رفتار کرده است.

در ۱۲: ۱۰-۱۱ گفته شده به دلیل اینکه در تقدس او شریک باشیم تنبیه می‌شویم و هر تنبیهی در اکنون دردآور است اما بعدها ثمر نیک دارد.

در نامهٔ عام اول پطرس (۵: ۸-۱۰) آمده است که در برابر ابلیس مقاومت کنید، زیرا برادران شما در دنیا در انواع بلاها به سر می‌برند و خدا که با عیسی ما را دعوت کرده

است پس از تحمل کمی رنج شما را آراسته و استوار کند و پایداری بخشد. در نامه اول پولس به اهل قرن‌تس (۱۶: ۵۸) آمده است که ای برادران برقرار باشید و بی‌تشویش در شغل خدا بیفزایید. زیرا زحمت شما نزد خدا بی‌پاداش نیست. گفته‌ها نشان می‌دهد که رنج نمایانگر عشق و توجه خدا به بنده است که از جانب خدا بر بندگان وارد می‌شود و باید در تحمل آن شکیبایی پیشه کرد.

رنج واردشده از شیطان

در انجیل یوحنا (۵: ۱۹) آمده است که عصر شریر حاضر را شیطان اداره می‌کند. بنابراین، در همین کتاب (۱۶: ۱-۴) گفته شده که باید انتظار درد و رنج را داشته باشیم. در نامه دوم پولس به اهل قرن‌تس (۱۲: ۷) پولس می‌گوید بیشتری را بی‌جهت در قلب خود قرار داده تا از غایت مکاشفات مغرور نشود و این بیشتر فرستاده شیطان است و او را مدام مشت می‌زند. شواهد عهد جدید نشان می‌دهد فقط خدا نیست که درد وارد می‌کند، بلکه شیطان نیز مسبب رنج‌های انسان است.

مشارکت در رنج‌های مسیح

در نامه اول پطرس (۴: ۱۲-۱۳) گفته شده از شدایدی که بدان دچار می‌شوید تعجب نکنید بلکه از اینکه در رنج‌های مسیح شریک هستید شادمان باشید، تا آنکه هنگام ظهور جلال او شادمان باشید.

در همان کتاب (۲: ۲۱ و ۲۴) گفته شده مسیح برای ما رنج کشید و نمونه‌ای شد تا از او پیروی کنیم. زیرا او گناهان ما را بر بدن خود بر دار تحمل کرد تا ما از گناهان پاک شویم و در راستی زنده گردیم.

نامه دوم پولس به اهل قرن‌تس (۱: ۵) می‌گوید اگر ناخوشی‌های ما به دلیل مسیح افزایش یابد تسلائی ما نیز به همین وسیله افزایش خواهد یافت.

در نامه پولس به اهل روم (۸: ۱۲) آمده است ما وارثان خدا و هم‌ارث با مسیحیم و در مصائب او شریکیم تا در جلال او نیز شریک باشیم.

در نامه دوم پولس به اهل قرن‌تس (۴: ۸-۱۱) گفته شده مدام در زحمتیم و پیوسته قتل عیسی را در بُعد جسمانی تجربه می‌کنیم تا که حیات عیسی در بدنمان آشکار گردد، زیرا

که ما زنده‌ایم، در راه عیسی پیوسته به قتل می‌رسیم تا حیات عیسی در جسم فانی ما پدیدار شود.

در نامهٔ پولس به عبریان (۲: ۱۸) آمده است که چون عیسی خود تجربهٔ عذاب را دارد می‌تواند از کسانی که عذاب می‌بینند دستگیری کند.

دستورهای دین مسیح حاکی از آن است که برای ادامه‌دادن راه مسیح باید در عذاب و رنج او شریک، و از آن شادمان بود، زیرا این اتفاق موجب سعادت و نیک‌بختی پیروان مسیحیت می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت شواهد موجود در عهد جدید نشان می‌دهد که درد و رنج با راستی مرتبط است و آزمایش افراد با رنج انجام می‌پذیرد. همان‌طور که در متن پیدا است (نک: نامهٔ پولس به عبریان ۲: ۱۸) چون مسیح خودش با درد آزمایش می‌شود قادر است به کسانی که این چنین آزمایش می‌شوند یاری رساند (Glücklich, 2001: 20-21). در مسیحیت قابلیت رنج نیابتی وجود دارد که از مصلوب‌شدن مسیح آغاز می‌شود و با دنباله‌روی پیروان از همین رنج ادامه می‌یابد.

عیسی را پسر رنج‌کش انسان می‌دانند (کیفر، ۱۳۹۷: ۵۲). یوحنا^۵ شهیدی را تصویر می‌کند که نه تنها شهادت خود را از پیش مقرر می‌دارد بلکه فراسوی رنج و عذابی است که پیوسته با آن درگیر است. گویی مردن مسیح ضرورتی در راه فضیلت است (همان: ۱۷۷ و ۱۷۹).

در دید مسیحیان، رنج باعث یگانگی بیشتر با مسیح می‌شود و الگویی برای ایثار پارسایانه به دست می‌دهد (دگرازا، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷). از دیدگاه کیرکگور، فیلسوف مسیحی و خدا‌باور معاصر، رنج از ویژگی‌های فردی انسان است و لازمه وجودی انسان و عامل تعالی او است. رنج‌هایی که در حیطه دینی رخ می‌دهند باعث تحول مذهبی فرد می‌شوند و در نهایت به شادی بدل می‌گردند. هر چه رنج بزرگ‌تر باشد دستیابی به کمال نزدیک‌تر است. فرد مسیحی رنج را جدا از وجود خود نمی‌داند و ارتباط مستقیمی بین عمق رنج و رابطه فرد با خدا وجود دارد (Kierkegaard, 1993: 249; Kierkegaard, 1996: 495; Furguson, 1994: 164).

از زندگی مسیح می‌توان فهمید که او خود در میان رنج زیست اما از آن شکوه‌ای نداشت. زیرا راجع به خواست نیک خدا شکی در دل نداشت و به عشق خدا و پیروزی آن ایمان می‌ورزید و با همین ایمان زیست و از دنیا رفت. مسیح تجسم می‌یابد و به

صلیب کشیده می‌شود، زیرا باید رنج بکشد و بمیرد و این تنها راهی است که در آن هر فرد می‌تواند باور داشته باشد که بر رنج و مرگ خود غلبه کند و امیدی است برای مؤمنان (Kilpatrick, 2000: 5; Bemporad, 1993: 102-103).

اقتدای فرد مسیحی به مسیح در رنج محوری‌ترین دغدغه کیرکگور است. کیرکگور، در مقام فیلسوفی که در صدد تحلیل رنج پیروان مسیح است، از منظری اگزیستانسیالیستی و انسانی به قضیه می‌نگرد. در صورتی انسان، مؤمن واقعی می‌شود که رنج بکشد و طرد شود و جان ببازد. باید با رنج کشیدن هم‌عصر مسیح شد. مسیح مژده می‌دهد خوشا به حال کسی که گناه نمی‌ورزد، یعنی خوشا به حال کسی که رنج را برگزید و از لذت گناه گریزان شد. مسیح با رنج کشیدن خود اطاعت و تسلیم را فراگرفت. انسان نیز با رنج خود اطاعت و تسلیم را یاد می‌گیرد. اطاعت از رنج جدا نیست و تسلیم با رنج معنا پیدا می‌کند. نتیجه این رنج رابطه نزدیک‌تر با خدا است. در نظر کیرکگور، «اقتدا به مسیح» با رنج حاصل می‌شود و فقط با پیروی کردن از مسیح می‌توان مسیحی شد و رنج لازمه آن است. بنابراین، اصلی‌ترین مسئولیت هر فرد مسئولیت پیروی از مسیح در رنج است. کیرکگور بر تحمل رنج تأکید دارد و نحوه تحمل فروتنانه رنج را برمی‌گزیند. عشق به خدا در عین حال که رنج می‌طلبد تسلابخش نیز هست. نکته مهم دیگر در دیدگاه کیرکگور این است که رنج، مانع، معضل یا مسئله نیست، بلکه واقعیتی مثبت است و وسیله‌ای است در جهت تعالی انسان و وصول ابدیت و شادی ابدی (نصرتی، ۱۳۸۵: ۲۵۰-۲۵۲ و ۲۴۳-۲۵۷ و ۲۶۹-۲۷۰). کیرکگور در یادداشت‌های واپسینش اشاره می‌کند که: «خوشا به حال کسانی که در پیروی از مسیح رنج را پذیرا گشته و از لذت گناه دوری می‌کنند» (کیرکگور، ۱۳۷۴: ۹۹-۱۰۰).

مسئله رنج در زردشتی‌گری

«رنج» از واژه پهلوی ranj (سختی، عذاب)، در فارسی میانه مانوی mz (آزار، زحمت، رنج)، پهلوی اشکانی مانوی mj و در متون پازند ranj, ranž آمده که آن را از مصدر فعلی raxtan (آزار دادن، اذیت کردن، رنجاندن) دانسته‌اند (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۱۴۶۷/۳; Nyberg, 2003: 166, 168). شواهد موجود در متون پهلوی درباره رنج را می‌توان به بخش‌های ذیل تقسیم کرد:

رنج از آغاز آفرینش

در بندهش^۶ آمده است هنگامی که اهریمن به از کارافتادگی خود و دیوان پی می‌برد و سه هزار سال به خواب می‌رود، جهی^۷ در پایان سه هزار سال به این وعده، اهریمن را بیدار می‌کند که چنان درد بر مرد پرهیزکار وارد کنم که به سبب کردار من زندگی نیابد (فرنیغ دادگی، ۱۳۶۹: ۵۱) و اهریمن پس از اینکه بیدار شد از نیاز و درد و بیماری و هوس را بر تن گیومرث^۸ آورد (همان: ۵۲)؛ و چنین است که رنج بر یکایک آفریدگان اورمزدی وارد می‌شود و این فقط شامل انسان نیست بلکه حیوانات، گیاهان، آسمان، زمین و آب نیز از این موضوع در امان نیستند (نک: ادامه همان). در باور زردشتیان، هدف و منظور اهریمن وارد کردن رنج بر زندگی است و هر آنچه درد و رنج در زندگی وجود دارد از آفرینش بد یا همان اهریمن و یارانش، یعنی دیوان، است. در اصل، نیروی انگیزش اهریمن، آوردن درد و رنج به زندگی آدمیان است. فقط زمانی می‌توان از رنج خلاص شد که اهریمن و دیوان از عالم بیرون روند.

رنج برای تمام مردمان

در متون آمده است که زردشت به اهوره مزدا می‌گوید در گیتی اهریمن بدکردار همه گونه درد و رنج و نزاری و بی‌توانی برای مخلوقات اورمزد آفریده و مردم به ستوه آمده‌اند (داستان گرشاسب، ۱۳۷۸: ۲۱۹).

در *گزیده‌های زادسپرم*^۹ (۱۳۸۵: ۹۵-۹۶) آمده که ابزار دیوی اهریمن «مانند آتش سوزنده است و همه آفریدگان از آن در رنج‌اند». در قطعه‌ای از دست‌نویس م. او. ۲۹، بهترین مردم نیک شهریاری است که از او آسیبی به مردم نرسد و بدترین، فرمانروای بدی است که درد و رنج از او بسیار باشد. لذا جم را به عنوان بهترین شهریاری می‌شمرد که روان مردم را از دوزخ دور می‌دارد و بدترین ضحاک است که باعث مرگ جم می‌شود (داستان گرشاسب، ۱۳۷۸: ۳۳۹-۳۴۰). در بخشی دیگر از همان کتاب آمده است که فرد اگر برای هر سختی و رنجی که به او وارد شده یا نشده خدمت‌گزار ایزدان باشد پس از آن رنجی که وارد شده نجات می‌یابد و اگر رنجی نیامده از آن در امان می‌ماند (همان: ۴۵۳).

در مینوی خرد^{۱۰} آمده است که در نظر اهریمن ستمی کامل و زیان‌بار است که روان یکتا را بریابد. همچنین، هر گزند که رخ دهد به ستمکاری اهریمن و دیوان نسبت داده می‌شود (مینوی خرد، ۱۳۸۰: ۵۹ و ۶۲).

بنابراین، همه آدمیان در رنج‌بردن با هم برابرند و تلاش اهریمن برای رنج‌رساندن به موجودات اهورایی بی هیچ استثنایی انجام می‌شود.

رنج به مثابه مجازات

در روایت پهلوی^{۱۱} (۱۳۶۷: ۴۲) آمده است که اهوره‌مزدا روان جم را نزد زردشت حاضر کرد و آن روان جامه بزه بر تن داشت و از شرم دور نشست. اهوره‌مزدا گفت جم راه اهریمن و دیوان را در پیش گرفت و ادعای خدایی و آفرینش کرد. به همین سبب فرّه از او جدا شد و تن او به رنج نزد دیوان افتاد. همچنین، آمده است که گرشاسب^{۱۲} بیش از هر کسی برای پایداری آفرینش هرمزدی کردار نجات‌بخش ورزید، اما چون آتش از او آزرده بود به بهشت راه نیافت. روان گرشاسب به زردشت گله برد و کارهای نیک خود را شمرد و برای پاداش بهشت درخواست کرد. اما ایزد آذر او را نبخشید. پس گرشاسب زندگانی دیگر خواست تا دوزخ را از دیوان پاک کند. ایزدان مینوی و ایزدان گیتی گریستند و زردشت اورمزد را کینه‌توز خواند. زردشت پذیرفت که چون آتش گرشاسب را بیمارزد پرهیز آتش را به جهانیان خواهد آموخت (همان: ۲۹-۳۲). گرشاسب که به تحریک دیوان آتش را آزرده و مرتکب گناه شده بود، دچار رنج و عذاب شد و با وساطت زردشت و ایزدان، گرشاسب از رنج دوری از بهشت رهایی یافت.

چنان‌که می‌توان دریافت در روایت‌های موجود در متون پهلوی اگر رنجی بر نیکان وارد می‌شود ناشی از گناهی است که فرد در اثر تحریک دیوان و نیروهای شر انجام داده است. شاید در نظر اول رنج ناشی از گناه فرد به نظر برسد اما آن گناه ناشی از وسوسه اهریمن و دیوان است. از این‌رو در واقع رنج وارد شده را می‌توان ناشی از نیروهای شر دانست و هنگامی رنج بر انسان وارد می‌شود که فرد در معرض وسوسه اهریمن و دیوان قرار می‌گیرد و در واقع خود را تسلیم نیروهای شر می‌کند.

رنج وارد شده بر پیامبر زردشتیان

زردشت به عنوان پیامبر این دین نیز از رنج‌بردن در امان نیست. برای نمونه در متون می‌بینیم که دیوان شتافتند تا پیش از به دنیا آمدن او را بکشند. فرشته اورمزد مادر را یاری داد و آتش از کودک پاسداری کرد (کتاب پنجم دینکرد، ۱۳۸۶: ۲۸-۳۰). پس از به دنیا آمدن زردشت بهمن امشاسپند^{۱۳} به اندیشه او اندر آمیخت و از رامش اندیشه نیک، نوزاد به خنده

درآمد. با این نشانه پنج برادر به هراس افتادند و به کشتن زردشت برخاستند. اما به یاری خدا دست جادو خشکیده شد، رمه گاوان و اسبان وحشی کودک را پاسبانی کردند و آتش او را نسوخت. در آشیانه گرگ، میش کودک را شیر داد. از آن پس زردشت با جادوگران به مبارزه برخاست و پدر را از ایشان برحذر داشت. زردشت در تمام طول عمر خود از رنج‌هایی که دیوان و جادوگران برایش ایجاد می‌کردند در امان نبود (نک: دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۲۰۶-۲۴۶؛ گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۸۵، ۴۴-۵۱). زمانی که به تبلیغ دین مشغول بود اهریمن از پیشرفت کار زردشت نگران بود، دیوان را در جایگاه خود در شمال گرد آورد و فرمان نابودی زردشت را داد. دو دیو بزرگ بر او حمله‌ور شدند. زردشت دعای اهورنور^{۱۴} را خواند و دیوان بهت‌زده به جای خود بازگشتند (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۲۳۷). یا اینکه ماده‌دیوی را به صورت زن زیبایی برای اغوای زردشت فرستاد که خود را اسپندارمذ، ایزدبانوی زمین، معرفی کرد. زردشت، که زیبایی اسپندارمذ را دیده بود، دانست که فریبی در کار است و می‌دانست که دیوان از جلو زیبا و از پس زشت‌اند. از این‌رو خواست که ماده‌دیو روی برگرداند و چون این کار را کرد دید که جانوران موزی و خزندگان از تن او آویزان‌اند. و زردشت دعای اهورنور را خواند و ماده‌دیو از نظر ناپدید شد (همان: ۲۴۰). پس از راه‌یافتن زردشت به دربار گشتاسب^{۱۵} نیز در طول دو سال پیشوایان دین مخالف زردشتی، به‌دشمنی سی‌وسه دروغ درباره او گفتند (گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۸۵: ۷۱) و همین باعث دربندشدنش شد (همان: ۲۴۱-۲۴۲). حتی پس از ایمان‌آوردن گشتاسب و رواج دین زردشتی او هنوز در امان نبود و در پی تحریک دیوان، دشمنان بسیار به مقابله او برخاستند و نبرد و کشتار بسیار رخ داد (کتاب دینکرد پنجم، ۱۳۸۶: ۳۴).

پیامبر زردشتیان از پیش از تولدش با انواع گوناگونی از رنج مواجه بود که تمام آنها از ناحیه اهریمن و همکارانش حادث می‌شد. این بار و سوسه گناه یا مجازاتی در کار نبود، بلکه تمام تلاش نیروهای شر برای واردآوردن انواع رنج به زندگی زردشت در جهت ایجاد مانع برای رواج دین بود. اهریمن نمی‌خواست انسان‌ها با دین بهی آشنا شوند و به آن ایمان آورند، زیرا خداوندگار دین بهی اهوره‌مزدا است. به همین سبب انواع رنج را حتی پیش از تولد زردشت بر او وارد کرد. اما زردشت هیچ‌گاه رنج را نپذیرفت و همواره با آن مبارزه کرد. زیرا پذیرش رنج به معنای پذیرش استیلای نیروی شر و اهریمنی است که این خود با اساس زردشتی در تضاد است.

چنان‌که دیدیم، در زردشتی‌گری دلیل وجودی رنج کاملاً مشخص است و هر رنجی که در زندگی وجود دارد ناشی از عملکرد اهریمن و دیوان است. از این‌رو باورمندان هیچ پرسشی درباره علت وجودی رنج و اینکه چرا باید در زندگی متحمل درد و رنج بود مطرح نمی‌کنند و نیازی هم به توجیه دلیل وجودی رنج برای باورمندان احساس نمی‌شود. آنچه می‌توان از طبیعت شر در این دین خلاصه کرد این است که هدف او خرابی، تباهی و فساد است.

زردشتیان در فصل پانزدهم کتاب *شکنند گمانیک وزار*، نظریات و آرای مسیحیان را نقد کرده‌اند. در بخشی از این فصل آمده است که: اگر عیسی همان خدا باشد چرا باید اداره زمین و آسمان را رها کند و خود را به رنج و ناپاکی اسیر گرداند و سرانجام نیز کشته شود؟ (Škand ..., 1945: ch. 15, pp. 32-34)؛ و اینکه بگوییم او این رنج را به سبب نشان‌دادن رستاخیز به مردم بر خود پذیرفت و راه دیگری نداشت نشان از محدودیت او دارد و به چه دلیل مردمان خود را با دانش از رستاخیز مطمئن نکرد تا نیازی به این رنج‌ها و زشتی‌ها نباشد؟ (Ibid.: 40-42).

نتیجه

چنان‌که در متون پهلوی دیدیم در زردشتی‌گری دلیل وجودی و منشأ رنج کاملاً مشخص است. تمام رنج‌های واردشده بر جسم و روان آدمی و دیگر آفریدگان ناشی از عملکرد دیوان و اهریمن دانسته می‌شود. این رنج از آغاز آفرینش وجود داشته و تا زمانی که اهریمن از بین نرود بر تمامی آفریدگان اهورایی وارد خواهد شد و هیچ چیز و هیچ کس از آن مستثنا نیست. بنابراین، زردشتی باورمند دلیل وجود رنج در زندگی را می‌داند و هیچ‌گاه اهوره‌مزدا و دیگر بزرگان دینی را در این خصوص در معرض پرسش یا مؤاخذه قرار نمی‌دهد. زیرا باور او به وجود دو نیروی خیر و شر در جهان، تکلیف تمام بدی‌های موجود در گیتی را روشن کرده است. اما پذیرش این بدی‌ها، از جمله رنج، برای شخص زردشتی، اعم از مردمان عادی یا مقدسان، جایز نیست. گرچه هیچ یک از آفریده‌های اهورایی از آسیب اهریمن و رنج‌بردن در امان نیستند اما این بدان معنا نیست که تسلیمش شوند و آن را بپذیرند. زیرا تسلیم رنج شدن و پذیرش آن به معنای پذیرش اهریمن و دیگر نیروهای شر در زندگی است که این خود یکی از بزرگ‌ترین گناهان زردشتی

شمرده می‌شود. شخص زردشتی می‌داند منشأ و علت رنجی که بر او وارد می‌آید چیست و چون می‌داند که در دوره‌ای به سر می‌برد که نیروهای اهریمنی هنوز در گیتی فعال‌اند پرسشی در این باره ندارد. فلسفه وجودی نیروی شر و فعالیت آن در جهان در این کیش چنین است که باید این نیرو باشد تا از حالت بالقوه به فعلیت درآید و بتوان با آن مقابله کرد و آن را تماماً از گیتی زدود. در غیر این صورت بدی همواره در جهان باقی خواهد ماند. طبیعی است که فعالیت نیروهای شر در جهان موجب نابودی و ویرانی و رنج می‌شود و مؤمن زردشتی این بدی‌ها را در جهت همان هدف والا، یعنی از بین بردن کامل شر، می‌پذیرد و البته خود نیز همراه و همکار نیروهای اهورایی است و با رنج، که آفریده اهریمن است، مقابله می‌کند تا آن را از بین ببرد.

اما در مسیحیت، چنان‌که در عهد جدید دیدیم، رنج آفریده خدا و راهی برای مؤمن شدن است که تحملش فضیلت شمرده می‌شود و باید در رنج‌کشیدن صبور و پذیرا بود. مسیحیان از اینکه رنجی بر ایشان وارد شود شادمان خواهند شد. زیرا این رنج نشانی از عشق و توجه خدا به آنها است و ثمره‌اش نیکی و شادی است. آنها، اعم از عیسای پیامبر تا مردمان عادی، همه در رنج‌بردن سهیم‌اند و مؤمنان مسیحی از رنج‌بردن شادمان‌اند. زیرا بنا به عهد جدید بدین وسیله با مسیح یکی خواهند شد و این الگویی برای پارسایی آنها است. برای قدم‌نهادن در راه مسیح باید در مصائب او شریک بود و فقط از این راه است که سعادت نصیب مردمان می‌شود. بنابراین، در مسیحیت، برخلاف زردشتی‌گری، رنج از جانب خود خدا بر مردمان وارد می‌شود و این رنج نشانی از عشق و توجه او به بنده است. با رنج‌کشیدن است که فرد می‌تواند به رستگاری مسیح و یگانگی با او دست یابد. مؤمن مسیحی، همانند عیسی، با رنج مبارزه‌ای نمی‌کند. زیرا آن را از جانب خدا می‌داند که ابزاری برای رستگاری و نیک‌بختی او است و طبیعی است که پذیرای آن باشد. در این دین ما با مفهوم «رنج مقدس» یا همان رنج واردشده از جانب خداوند آفریدگار روبه‌رویم که این موضوع کاملاً با آیین زردشتی در تضاد است و همین تضاد باعث تفاوت رویکرد مؤمنان این دو دین به مفهوم «رنج» می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. سورن کیرکگور (Soren Kierkegaard) (۱۸۱۳-۱۸۵۵) فیلسوف مسیحی دانمارکی که به او لقب «پدر اگزیستانسیالیسم» داده‌اند.
۲. نک: پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، س ۱، ش ۱، ص ۲۱-۴۶.
۳. قیافا: کاهن بزرگ یهودیان.
۴. پونتیوس پیلاطس: والی یهودا بین سال‌های ۲۶-۳۶ م.
۵. یکی از حواریون مسیحی.
۶. کتابی به زبان پهلوی بر اساس ترجمه و تفسیرهای اوستا که احتمالاً اواخر دوره ساسانی تدوین شده باشد.
۷. دیو زنی که دختر و همسر اهریمن دانسته می‌شود و نقش مهمی در آغاز آفرینش دارد.
۸. پیش‌نمونه انسان در اسطوره آفرینش ایرانی.
۹. کتاب پهلوی تألیف زادسپرم، یکی از روحانیان زردشتی در سده سوم هجری.
۱۰. یکی از اندرزنامه‌های پهلوی که حاوی یک مقدمه و ۶۲ پرسش و پاسخ است.
۱۱. از متون پهلوی و احتمالاً مربوط به سده سوم و اوایل سده چهارم هجری.
۱۲. از پهلوانان نامی ایران باستان و از یاران موعود زردشت.
۱۳. یکی از امشاسپندان و به معنای اندیشه نیک.
۱۴. یکی از مقدس‌ترین دعا‌های زردشتیان.
۱۵. یکی از پادشاهان سلسله کیانی که دین‌آوری زردشت در زمان او رخ داد.

منابع

- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- داستان گرشاسب، تممورس، جمشید گل‌شاه و متن‌های دیگر: بررسی دست‌نویس م. او. ۲۹ (۱۳۷۸). ترجمه: کتیون مزداپور، تهران: آگاه.
- دگرازا، دیوید (۱۳۸۶). «در باب رنج»، ترجمه: مسعود فریامنش، در: اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۲۲، ص ۸۶-۸۷.
- دینکرد هفتم (۱۳۸۹). ترجمه و تحقیق: محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روایت پهلوی (۱۳۹۰). ترجمه: مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فرنیغ دادگی (۱۳۶۹). بندهش، ترجمه: مهرداد بهار، تهران: توس.

کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶). ترجمه و تحقیق: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: معین.
کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۸۰). ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: اساطیر.

کرکگور، سورن (۱۳۷۴). «گزیده‌ای از یادداشت‌های واپسین سال‌ها»، ترجمه: فضل‌الله پاک‌زاد، در: ارغنون، ش ۵ و ۶، ص ۹۷-۱۰۸.

کیفر، کایل (۱۳۹۷). عهد جدید در مقام ادبیات، ترجمه: مجتبی پردل، مشهد: ترانه.
گزیده‌های زادسپرم (۱۳۸۵). ترجمه: محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مینوی خرد (۱۳۸۰). ترجمه: احمد تفضلی، تهران: توس.

نصرتی، یحیی (۱۳۸۵). «مکتب رنج: قرائت کرکگور از رنج در مسیحیت»، در: فلسفه و کلام: نقد و نظر، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۲۴۷-۲۷۸.

Bemporad, Jack (1993). "Suffering", in: *The Encyclopedia of Religion*, ed. By Mircea Eliade, New York: Macmillan Library Reference USA, pp. 99-104.

Ferguson, H. (1994). *Melancholy and the Critique of Modernity Soren Kierkegaard's Religious Psychology*, London: Routledge.

Glücklich, A. (2001). *Sacred Pain: Hurting the Body for the Sake of the Soul*, Oxford: Oxford University Press.

Kierkegaard, S. (1993). "The Gospel of Suffering", in: *Upbuilding Discourses of Various Spirits*, eds. by H. Howard & et al., Princeton: Princeton University Press.

Kierkegaard, S. (1996). *Papers and Journals: A Selection*, tr. With intro and notes by Alastair Hannay, London: Penguin Books.

Kilpatrick, T. B. (2000). "Suffering", in: *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, ed. by J. Hastings, London & New York: T. & T. Clark, pp. 1-10.

Nyberg, H. S. (2003). *A Manual of Pahlavi*, Tehran: Asatir.

Štikand Gumanik Vicar, *La Solution decisive des douitex* (1945). tr. and ed. Jean de Menasce, Fribourg: de l' universite.

References

- Bemporad, Jack. 1993. "Suffering". In: *The Encyclopedia of Religion*, Edited by Mircea Eliade, New York: Macmillan Library Reference USA, pp. 99-104.
- Bible: Old Testament and New Testament*. 2001. Translated by Fāḍilkhān Hamdānī, William Glenn, Henry Merton, Tehran: Asāfir. [in Farsi]
- Digrāziyā, David. 2007. "About Suffering (*Dar Bāb-i Ranj*)", Translated by Mas'ūd Faryāmanish. In: *Information of wisdom and knowledge (Iṭṭilā'āt-i Hikmat wa Ma'rifat)*, no.22, pp.86-87. [in Farsi]
- Dinkard's Fifth Book*. 2007. Translated by Zhālih Āmūzgār and Aḥmad Tafaḍḍulī, Tehran: Mu'īn. [in Farsi]
- Excerpts of Zādsparam*. 2006. Translated by Muḥammad Taqī Rāshid Muḥaṣṣal, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Ferguson, H. 1994. *Melancholy and the Critique of Modernity Soren Kierkegaard's Religious Psychology*, London: Routledge.
- Franbagh Dādigī. 1990. *Bundahish*, Translated by Mihrdād Bahār, Tehran: Tūs. [in Farsi]
- Glücklich, A. 2001. *Sacred Pain: Hurting the Body for the Sake of the Soul*, Oxford: Oxford University Press.
- Ḥasandūst, Muḥammad. 2014. *Etymological Culture of Persian Language*, Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [in Farsi]
- Kiefer, Kyle. 2018. *The New Testament as Literature*, Translated by Muḥtabā Pardil, Mashhad: Trānih. [in Farsi]
- Kierkegaard, S. 1993. "The Gospel of Suffering". In: *Upbuilding Discourses of Various Spirits*, Edited by H. Howard & et al., Princeton: Princeton University Press.
- Kierkegaard, S. 1996. *Papers and Journals: A Selection*, With intro and notes by Alastair Hannay, London: Penguin Books.

- Kilpatrick, T. B. 2000. "Suffering". In: *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, Edited by J. Hastings, London & New York: T. & T. Clark, pp. 1-10.
- Kirkgore, Soren. 1995. "Excerpts from Recent Years' Notes", Translated by Faḍlullāh Pākzād. In: *Arghanūn*, no.5 and 6, pp.97-108. [in Farsi]
- Mīnūy-i Khirad*. 2001. Translated by: Aḥmad Tafazzulī, Tehran: Tūs. [in Farsi]
- Nuṣaṭī, Yahyā, "The School of Suffering: Kirkgor's Reading of Suffering in Christianity (Maktab-i Ranj: Qirā'at-i : Kirkgor az Ranj dar Masṭḥiyat)". In: *Philosophy and Theology (Falsafih wa Kalām)*, no.43 and 44, pp.247-278.
- Nyberg, H. S. 2003. *A Manual of Pahlavi*, Tehran: Asatir.
- Riwāyat-i Pahlavī*. 2011. Translated by Mahshīd Mīrfakhrāyī, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Šikand Gumanik Vicar, La Solution decisive des douitex*. 1945. Translated and Edited by Jean de Menasce, Fribourg: de l' universite.
- The story of Garshāsb, Tahmūrs, Jamshīd Golshāh and other texts: A review of Manuscript*. 1999. Translated by Katāyūn Mazdāpūr, Tehran: Āgāh. [in Farsi]
- 7th Dinkard*. 2010. Translated by Muḥammad Taqī Rāshid Muḥaṣṣal, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]